

سیر تحولات حقوق نظامیان و غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل بشر دوستانه

علیرضا ظاهری^۱ شیوا قهاری^۲

چکیده

تاسیس دیوان بین‌المللی کیفری را می‌توان آخرین تحول در حقوق بین‌الملل بشر دوستانه دانست اما سیر تحول حقوق نظامیان و غیرنظامیان در پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ در نقطه آخر آن ایستاده و تحول اساسی خاصی بعد از آن صورت نگرفته است. که البته پروتکل الحاقی اول مربوط به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی بوده و پروتکل دوم مربوط به مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی می‌باشد. در نگاه کلی به سیر تحول حقوق بشر دوستانه بین‌المللی طبیعتاً حقوق نظامیان و غیرنظامیان و همچنین اموال آنها بخاطر فجایعی که در جنگ‌ها از بابت فقدان سه عنصر «اصل تفکیک»، «اصل ضرورت» و «اصل تناسب» رخ داده مورد شناسایی قرار گرفته و موجب کاهش رنج‌های بشریت گردیده است. اما نکته مهم و حائز اهمیت که به عنوان یک سوال در ذهن پژوهشگر همواره مطرح بود این نکته بود که چرا دولت‌ها بجای تقویت بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد (اصل منع توسل به زور) در راستای حقوق بین‌الملل بشر دوستانه قدم برداشته‌اند. به هر حال این مقاله با هدف اصلی بررسی «سیر تحولات حقوق نظامیان و غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل بشر دوستانه» علیرغم محدودیت‌های موجود در دسترسی به منابع، اطلاعات لازم را به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری و با روش کیفی در جهت پاسخ به سوال اصلی به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته است.

کلیدواژگان:

حملات سایبری - فضای سایبری - حقوق مخاصمات مسلحانه - حقوق بین‌الملل بشر دوستانه - خلاء اعمال قواعد

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. azaheri878@gmail.com

۲- کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل (نویسنده مسؤول). shivaghahari96@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹ نوع مقاله: پژوهشی (۹۱-۱۱۹).

— مقدمه

از بدو پیدایش جوامع بشری، دنیا شاهد جنایات فجیع، کشتارها و نسل‌کشی‌های فراوانی بوده که در طول تاریخ می‌توان به جنایت‌های فجیع در اروپا اشاره نمود از جمله جنگ‌های صلیبی قرن ۱۱، جنگ‌های سی ساله فرانسه (بین پروتستان و کاتولیک) و قتل عام سن بارتلمی قبل از معاهده وستیفالی ۱۶۴۸، جنگ جهانی اول و جنایاتی که در تاریخ ثبت نشده است. اما بعد از پایان جنگ جهانی اول، دولت‌ها به فکر تشکیل یک مجموعه‌ای برای جلوگیری از مخاصمات و شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بودند که بر این اساس در ۱۹۲۰ جامعه ملل تشکیل اما چون میثاق جامعه ملل جنگ را ممنوع نمی‌کرد براحتمی در کمتر از ۲۰ سال جنگ جهانی دوم آغاز و حدود ۶۰ میلیون کشته و میلیون‌ها آواره و بی‌خانمان بر جای گذاشت. این واقعه هولناک دولت‌ها را بر آن داشت تا گامی اساسی برای برقراری صلح و نفی جنایات بشری بردارند که در ژوئن ۱۹۴۱ نمایندگان متفقین در کاخ سنت جیمز اعلام کردند «تنها اساس واقعی صلح پایدار در مشارکت ارادی مردمان آزاد، در جهانی است که در آن فارغ از تهدید و تجاوز همه بتوانند از امنیت اقتصادی و اجتماعی بهره‌مند شوند. قصد ما این است که باهم و با دیگر مردمان آزاد، هم در جنگ و هم در صلح، برای نیل به این هدف همکاری کنیم» در نهایت کنفرانس سانفرانسیسکو در ژوئن ۱۹۴۵ که منجر به تشکیل سازمان ملل متحد و ممنوعیت جنگ برابر بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد گردید.

نوید بند ۲ ماده ۴ منشور این بود که دولت‌ها در تقویت ممنوعیت جنگ قدم بر می‌دارند اما در راستای حقوق بین‌الملل بشردوستانه گام‌های اساسی برداشته شد به‌طوری‌که می‌توان به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ که هسته اصلی رژیم حقوق بشردوستانه بین‌المللی را تشکیل می‌دهند اشاره نمود. که تحولات بسیار ارزشمندی در حقوق نظامیان و غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی ایجاد کرده‌اند. موضوع مهمی که ما را بر آن داشت تا مقاله‌ای در این زمینه تدوین کنیم؛ از زمان پیدایش حقوق بین‌الملل و ممنوعیت جنگ؛ حقوق بین‌الملل بشر دوستانه یکی از مباحث بسیار مهم حقوق بشری می‌باشد که در بروز مخاصمات مسلحانه بین‌المللی شاهد نقض فاحش آن هستیم. اما همیشه در مجامع علمی و دانشگاه‌ها بدون اینکه از فلسفه پیدایش و

سیر تحول آن آشنا باشیم مستقیماً به آخرین کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های آن استناد می‌کنیم که ضروری است برای درک ریشه‌ای حقوق نظامیان و غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی؛ اطلاع جامعی از سیر تحولات این حقوق داشته باشیم که این مقاله در این راستا با هدف کاربرد در مجامع علمی بررسی خواهد شد.

– تاریخچه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه

مقررات حقوق بشردوستانه ریشه در تاریخ دارد. زیرا از ابتدای حیات جوامع بشری تاکنون همواره جنگ بین انسان‌ها وجود داشته و جنگ‌ها همیشه تابع نوعی مقررات بوده‌اند. قواعد و مقررات انسان دوستانه در ابتدایی‌ترین جنگ‌ها البته نه به شکل امروزی آن، اما رعایت می‌شده است. برای مثال در یونان و ایران باستان مقرراتی راجع به رفتار با اسیران جنگی و احترام به آنها، ایمنی غیر رزمندگان، تکریم تسلیم شدگان، حرمت اماکن مقدس و... دیده می‌شود. پای بندی قواعد و رفتار انسان دوستانه و رعایت آنها در زمان درگیری‌های مسلحانه، برخاسته و نشأت گرفته از تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و عقاید و مذاهب ملل مختلف جهان است. به یقین می‌توان گفت که در این زمینه بیشترین قوانین و مقررات مشترک میان ملت‌ها وجود دارد و این مسئله سبب رعایت قواعد و مقررات انسان دوستانه در هنگام مخاصمات مسلحانه می‌شود (فقیه‌حبیبی، ۱۳۹۵: ۸۶).

در میان قبیله سومریان یک نهاد سازمان یافته وجود داشته که در آن قواعد و مقرراتی مانند اعلام جنگ، حکمیت، مصونیت سفرا و نمایندگان سیاسی و احترام به قراردادهای صلح وجود داشته است. در این دوره رسم آزادی اسرا در مقابل گرفتن پول نیز رایج بوده است. حمورابی پادشاه بابل در مجموعه قوانین و مقررات خود بنام الواح حمورابی به بخشی از قوانین و مقررات جنگ اشاره می‌نماید (محقق داماد، ۱۳۷۴: ۱۴۹).

سون تزو در کتاب خود به‌عنوان هنر جنگ که ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح به‌عنوان اولین اثر ادبی کلاسیک در استراتژی نظامی نگاشته شده رعایت اصول انسانی همانند احترام به اسیران جنگی، دلاوی، شرافت، پرهیز از خشونت بی دلیل و آزار رساندن به غیرنظامیان را برای فرماندهان گوشزد نموده است. کتب آسمانی قرآن و انجیل هم دربردارنده قواعدی در مورد جنگ‌ها هستند. هر چند که قرآن مجید

در این میان موقعیتی ممتاز دارد و در آن به کرات بر رعایت اصول انسانی در هدایت و اداره جنگ‌ها تأکید شده است. همچنین در احادیث و روایات اسلامی نمونه‌هایی از قواعد بشردوستانه حقوقی به چشم می‌خورد. اما این قواعد حقوقی، جنبه عرفی داشته و تدوین نشده بودند. نخستین قانون بشردوستانه مدون و منظمی که از سوی یک دولت برای نیروهای مسلح تدوین شد، مجموعه قوانین لیبر بود. این مجموعه قوانین توسط دولت ایالات متحده آمریکا در سال ۱۸۶۳ تصویب شد و هدف آن تنظیم رفتار سربازانی بود که در ایالات متحده درگیر جنگ‌های داخلی بودند. اما این قانون هم جنبه داخلی داشت و فقط در ایالات متحده قابل اجرا بود (فقیه‌حیبی، ۱۳۹۵: ۸۷).

– تاریخچه شکل‌گیری کمیته صلیب سرخ جهانی

ایده تأسیس این سازمان پس از جنگ داخلی ایتالیا توسط یک بانکدار سوئیسی به نام «انری دونان» مطرح شد. انری دونان در ۲۴ ژوئن ۱۸۵۹ در رابطه با شغش جهت اخذ مجوز حفر چاه عازم شهر لومباردی واقع در شمال ایتالیا شد. در آن زمان این شهر نقطه مرکزی برای ادامه نبرد سولفورینو بین فرانسه و اتریش بود. هزاران مرد و زن مجروح جنگی که در رنج و عذاب سختی به سر می‌بردند به خاطر فقدان کمک‌های ابتدایی مردند. این منظره‌ی دلخراش بر ذهن و فکر او تأثیر زیادی داشت. او که از خانواده‌ای متمتع و متدین بود کار خودش را فراموش و روستاییان محلی را سازماندهی کرد تا از مجروحان هر دو طرف جنگ مراقبت کنند. تلاش‌های دونان زندگی افراد زیادی را نجات داد. در سال ۱۸۶۲ او کتابی با نام خاطره سلفرینو نوشت که در آن از مردم جهان برای تشکیل انجمن‌های امدادی تقاضای کمک کرد. سربازان زخمی در جنگ کاری از دستشان برنمی‌آمد، پس کمک به آن‌ها وظیفه هر انسانی بود. همچنین هدف این بود کارکنان امدادی از آسیب مصون باشند. این تقاضا بر مردم تأثیر زیادی داشت و در کنفرانس بین‌المللی ژنو که در سال ۱۸۶۴ برگزار شد. شانزده کشور تأسیس صلیب سرخ را پذیرفتند.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نهادی مستقل و بی‌طرف است. هدف اصلی این نهاد تضمین حمایت از قربانیان مخاصمات و دیگر خشونت‌های مسلحانه، ارائه کمک‌های بشردوستانه به قربانیان و گسترش قواعد حمایت از قربانیان مخاصمات عنوان شده است. که این دو خط مشی به نحو جدایی ناپذیری باهم

در ارتباطند. چرا که کمک به قربانیان مخاصمات در چهارچوب مقرر توسط قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه اعمال می‌شود و این قواعد نیز بر پایه تجربه‌ی مورد نخست ترسیم می‌گردد و پاسخ کمیته را به نیازهای شناسایی شده تسهیل می‌کند. اختیارات کمیته که به عنوان قیم حقوق بشردوستانه بین‌المللی اقدام می‌کند، علاوه بر کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن، از اساسنامه کمیته؛ صلیب سرخ، هلال احمر و قطعنامه‌های کنفرانس‌های بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر نشئت می‌گیرد و در این مقام نقش خود را طریق واکنش به اوضاع اضطراری، تشویق به توسعه حقوق بشردوستانه بین‌المللی و اجرای آن در حقوق ملی و همچنین ترویج احترام به آن توسط دولت‌ها و حامین سلاح انجام می‌دهند (فقیرمیرنظامی، ۱۳۹۱: ۵۲).

– نظریه ارتباط هویت و حقوق بشردوستانه در حقوق بین‌الملل

در خصوص جهانی شدن و گسترش ارزش‌های حقوق بشر، یک رهیافت کلان وجود دارد؛ و آن اینکه؛ آن دسته از ارزش‌هایی که مبنا و منشأ واحدی دارند به اعتبار فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف، متفاوت نخواهند بود. موضوع حرمت قتل، منع شکنجه، منع برده‌داری و تبعیض نژادی، مصونیت از تعرض و تجاوز، حق زندگی در امنیت، و مسائلی از این دست، در زمره ارزش‌های عام و فرا فرهنگی حقوق بشرند که مورد اقبال و تأکید و ترویج تمامی فرهنگ‌ها هستند و می‌توان گفت در تمامی ادوار تاریخ بشری نیز مورد نظر پیامبران، مصلحان و روشنگران بوده‌اند. در حوزه ارزش‌های عام؛ که به تعبیر مکتب حقوق طبیعی با طبیعت بشری سر و کار دارد، هیچ مناقشه‌ای نیست. حقوق بشردوستانه نیز در زمره هنجارهای حقوقی است که اعتباری عام و جهانی دارد و مورد تأیید همه ملت‌ها و رای اختلافات فرهنگی و هنجاری است (عباسی، ۱۳۹۵: ۱۴ - ۱۳).

این‌گونه می‌توان نگاه کرد؛ تا زمانی که تقدم حیثیت ذاتی انسان مورد نظر اعلامیه جهانی حقوق بشر با ارزش‌های عام موافق فطرت انسانی سروکار دارد، مناقشه میان فرهنگ‌ها معنایی ندارد؛ دسته دوم ارزش‌های خاص حقوق بشری هستند مانند آزادی مذهبی، آزادی‌های اجتماعی، نوع پوشش و غیره که از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت می‌باشند. مشکل اصلی نیز در این دسته از ارزش‌ها است. با وجود تفاوت‌های فرهنگی پیرامون ارزش‌های حقوق بشر در جوامع مختلف، حقوقی وجود دارند که نه تنها

جوهر و ماهیت آنها خدشه ناپذیر است، بلکه تعهد به اجرا و ضمانت آنها در همه شرایط و زمانها غیرقابل نقض است. اهمیت این قواعد، تا اندازه‌ای است که بدون رعایت آنها، مراعات دیگر اصول، ناممکن است» (ذاکریان، ۱۳۷۹: ۱۰۴۶).

– نظریه مسؤولیت حمایت

«مسؤولیت حمایت» نظریه‌ای جدید در حقوق بین‌الملل است که موجب آن، جامعه بین‌المللی نسبت به نسل زدایی، نقض گسترده حقوق بشر و ارتکاب جرایم عمده علیه بشریت، در کشوری که دولتش قادر یا مایل به جلوگیری از آن نیست نه تنها نمی‌تواند بی‌تفاوت بماند بلکه به‌منظور حمایت از حقوق بنیادین بشر، وظیفه دارد با مداخله مؤثر در (پیش‌گیری) از بروز یک فاجعه انسانی و در صورت وقوع فاجعه با عکس‌العمل مناسب در مقابله و بازسازی آن وارد عمل شود. در نگرش جدید، حفظ و صیانت از حقوق انسان، مسؤولیت مشترک همه کشورها و جامعه بین‌المللی است (عسگری، ۱۳۹۴: ۴).

اما در نگرش جدید، حفظ و صیانت از حقوق انسانها، مسؤولیت مشترک همه کشورها است که نسبت به این نظریه دو نگاه بدبینانه و خوشبینانه می‌تواند وجود داشته باشد. در نگاه بدبینانه، مسؤولیت حمایت ممکن است زمینه‌ساز مداخله دولت‌های استکباری در کشورهای دیگر به‌منظور غارت و چپاول ثروت آنها و تثبیت نظام سلطه گردد. ولی در نگاه خوشبینانه؛ مسؤولیت حمایت را می‌توان فرصت گفتمان‌سازی در جهت تعمیق و ترویج مبانی و ارزش‌ها و تشکیل حکومت جهانی مبتنی بر کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسؤولیت او در برابر خدا و نفی هرگونه سلطه‌گری دانست (عسگری، ۱۳۹۴: ۴). در این نگاه به نظریه مسؤولیت حمایت؛ می‌توان گفت ترویج جهانی حقوق بشر و نظارت و حمایت از توسعه این حقوق؛ نوعی گسترش حقوق شهروندی در جوامع نیز بوده که به منزله فرد تحت حاکمیت دولت می‌باشد و دولت با رعایت حقوق شهروندی، به مسؤولیت حمایت خود از مردم تحت حاکمیت در هر شرایط ممکن عمل نموده است.

آغاز مباحث مربوط به نظریه مسؤولیت حمایت به سال ۲۰۰۰ میلادی و گزارش هزاره کوفی عنان؛ دبیر کل سازمان ملل در آوریل آن سال به مجمع عمومی بر می‌گردد. فقدان پشتوانه مردمی برخی حکومت‌ها و فجایعی که در دهه‌های پس از سازمان ملل متحد در سراسر جهان رخ داد، موجب شد

دبیرکل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹ خطاب به جامعه جهانی پرسش‌هایی را مطرح کند (نیکنام‌ابركوه، ۱۳۹۵: ۹) که در بخشی از آن آمده است: «... اگر مداخله بشردوستانه در حقیقت یک حمله غیر قابل قبول نسبت به حاکمیت کشورهاست، پس چگونه می‌توانیم در مقابل رواندا، سربرنیتسا و نقض‌های فاحش و سیستماتیک حقوق بشر که تمامی جنبه‌های بشریت را مورد آسیب قرار می‌دهند، پاسخگو باشیم؟». به دنبال درخواست دبیرکل، کمیسیون حاکمیت کشور طی گزارشی در سال ۲۰۰۱، ایده‌ای را تحت عنوان «مسئولیت حمایت» با هدف حمایت از افراد در محیط ملی از طریق سازوکارهای بین‌المللی حمایت از حقوق بشر ارائه کرد (فلسفی، ۱۳۹۴: ۲۳۸).

در نتیجه گزارش، رویکرد جامعه بین‌المللی تا حدود زیادی نسبت به مفهوم مداخله بشردوستانه تغییر کرد. نکته برجسته در این نظریه، تلاش برای طراحی فرمولی است که با کنار گذاشتن مداخله بشردوستانه، سازماندهی‌ای مداخله است که تحقق رویکرد قربانی محور داشته باشد. در حالی که در مداخله بشردوستانه اولویت‌ها و منافع دول مداخله‌کننده غالب می‌باشد. مسئولیت حمایت به‌عنوان یک نظریه بین‌المللی که عنوان پویایی خود را طی می‌کند نیازمند این بود که با گذشت زمان قوام بیشتری یافته و از سوی دولت‌ها مورد توجه قرار گیرد. در این راستا، بلندترین گام اجلاس سران جهان، سپتامبر ۲۰۰۵ برداشته شد و نظریه مذکور که شامل مسئولیت‌های پیش‌گیری، واکنش و بازسازی می‌باشد، رسماً در بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ سند پایانی مورد پذیرش ملل متحد قرار گرفت. پس از سال ۲۰۰۵، این نظریه در دیگر اسناد بین‌المللی همچون قطعنامه‌های مجمع عمومی، شورای امنیت و گزارشات دبیرکل ملل متحد انعکاس یافت. در حوزه عمل نیز در چندین مورد شاهد استناد به این نظریه برای حمایت از جمعیت غیرنظامی بوده‌ایم که آخرین مورد آن، در سال ۲۰۱۱ در لیبی و پس از آن در سوریه صورت گرفت (میرعباسی و محمدی، ۱۳۹۵: ۱۰-۹).

طبق دکترین مسئولیت حمایت، وضعیت خطرناک یک جمعیت (همچون اردوگاه پناهندگان به هنگام جنگ) کمک‌های بشردوستانه را طلب می‌کند. اما در صورت فقدان یک توافق بین طرف‌های ذیربط، مداخله سازمان ملل متحد (بخصوص شورای امنیت سازمان ملل متحد) را برای پیدا کردن یک راه حل سیاسی بطور دیپلماتیک ضروری می‌سازد (عباسی سرمدی، ۱۳۹۲: ۱۷۶).

– مفهوم مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

با وجود اینکه هیچ تعریف واحد جهانی از اصطلاح مخاصمات مسلحانه بین‌المللی وجود ندارد، اما دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق^۱ تعریفی کلی از مخاصمه مسلحانه بین‌المللی ارائه داده است. دادگاه در سال ۱۹۹۵ در «قضیه داسکو تادیچ» اظهار داشت: «مخاصمه مسلحانه زمانی وجود دارد که دو دولت به نیروی نظامی متوسل شوند^۲» از آن پس، تعریف مذکور توسط سایر نهادهای بین‌المللی نیز بکار برده شده است. بدین جهت شعبه اول بدوی در تأیید شعبه مقدماتی در اولین رأی خود از ماده ۲ مشترک، قضیه تادیچ و نظرات کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مدد جسته است و در تعریف مخاصمه مسلحانه بین‌المللی بیان می‌دارد: «مخاصمه‌ای که در میان دو یا چند ملت واقع شود و منجر به اشغال برخی یا تمام قلمرو سرزمینی کشور دیگر شود؛ همچنین ممکن است یک مخاصمه مسلحانه داخلی تحت شرایطی ماهیت بین‌المللی پیدا کند اگر الف) دولت دیگر توسط ارتش خود مداخله کند (مستقیم)؛ یا ب) گروهی از شرکت‌کنندگان در مخاصمه مسلحانه از طرف دولت دیگر اقدام کنند (دخالت غیرمستقیم)^۳. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ^۴ نیز همانطور که در قبل اشاره شد، تمایز دقیق‌تری میان این دو نوع مخاصمه قائل شده است: «مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، زمانی است که دو یا چند دولت (متنازع) متوسل به نیروهای مسلح شوند^۵». به عقیده دیوان بین‌المللی کیفری این موضوع کاملاً پذیرفته شده است که درگیری یک کشور با یک گروه مسلح غیردولتی مستقر در یک کشور همسایه که تحت کنترل دولت خودش عمل می‌کند، در حدود یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی میان دو کشور قرار می‌گیرد».

شعبه بدوی دیوان بین‌المللی کیفری سابق با در نظر گرفتن درجه کنترل کشور دیگر بر یک گروه مسلح که از طرف آن کشور اقدام می‌کند، معیار کنترل کلی را مناسب ارزیابی نموده و بیان داشته است

¹ - International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY).

² - (ICRC Opinion Paper. How is the Term “Armed Conflict” Defined in International Humanitarian Law? ICRC, 2008, p. 2).

³ - See Tadic’ Interlocutory Appeal Decision, para. 70. See also ICTY, Prosecutor v. Delalic’ et al., Case No. IT-96-21-T, Trial Chamber, Judgment, 16 November 1998, para. 183 and ICTY, Prosecutor v. Brnjanin, Case No. IT-99-36-T, Trial Chamber, Judgment, 1 September 2004, para. 122.

⁴ - International Committee of the Red Cross (ICRC).

⁵ - Opinion Paper, ICRC, p. 5.

یک کشور زمانی درجه‌ای از کنترل لازم را اعمال می‌کند که علاوه بر تأمین مالی، آموزش و مجهز کردن یا فراهم آوردن حمایت عملی از گروه مسلح، نقشی در سازمان‌دهی، هماهنگی یا طرح ریزی عملیات نظامی آن گروه داشته باشد. در واقع دیوان بین‌المللی کیفری بر معیار کنترل کلی در قضیه تادیچ صحه گذاشته است.^۱

– مفهوم مخاصمات مسلحانه داخلی

دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در ۲ اکتبر ۱۹۹۵ در رأی مشهور خود در قضیه داسکو تادیچ، مخاصمه مسلحانه داخلی را تعریف کرده و بر اساس آن اعلام داشته: « یک مخاصمه مسلحانه داخلی هنگامی واقع می‌شود که یک مخاصمه طولانی میان نیروهای حکومت و گروه‌های مسلح سازمان یافته یا میان خود این گروه‌ها در قلمرو یک دولت استمرار یابد^۲».

در قضیه تادیچ، دیوان تعریفی را ارائه کرد که همان را نویسندگان اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مصوب ۱۹۹۸ در تعریف مخاصمه مسلحانه داخلی برگزیدند (ممتاز، ۱۳۸۴: ۸۴). بند (و) پاراگراف ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بیان می‌دارد این ماده تنها نسبت به مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی اعمال می‌شود. بنابراین وضعیت‌هایی مانند اختلالات داخلی، کشمکش‌ها، شورش‌ها، اقدامات پراکنده و مجزا، خشونت و اقداماتی از این قبیل تحت پوشش این ماده قرار نمی‌گیرد. در واقع، این ماده تنها نسبت به مخاصمات مسلحانه‌ای قابل اعمال است که در قلمرو یک سرزمین رخ دهد و درگیری‌های طولانی مدت میان نیروهای دولتی و نیروهای مسلح سازمان یافته یا بین چند نیروی مسلح سازمان یافته وجود داشته باشد (اساسنامه رم، جزء « و » از بند ۲ ماده ۸). بر اساس پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، برای آنکه مخاصمه‌ای، مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی محسوب گردد بایستی دو شرط یکجا و همزمان باهم جمع شوند، اول نیروهای مسلح مخالف بر قسمتی از سرزمین مسلط شده باشند، دوم نیروی مخالف قادر به اجرای پروتکل باشد.

¹ - ICTY, Prosecutor v. Tadić, Case No. IT-94-1-A, Appeals Chamber, Appeals Judgment, 15 July 1999 (Tadić Appeal Judgment), para. 137.

² - ICTY, prosecutor v. Tadić, Case No, IT-94-1-AR72, Appeals Chamber, Decision on the Defence Motion of Introductory Appeals on Jurisdiction, 2 October 1995, para. 70.

شعبه اول بدوی دیوان بین‌المللی کیفری با تکیه بر پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و قضیه داسکو تادیب در تعریف مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی وجود نیروهای مسلحی که تا حدی سازمان یافته باشند و توانایی برنامه‌ریزی و اجرای عملیات نظامی مستمر را داشته باشند برای به حساب آوردن مخاصمه به‌عنوان مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی کافی دانست است.

شعبه بدوی دیوان عقیده دارد که طبق بند (و) پاراگراف ۲ ماده ۸ اساسنامه وجود درگیری مسلحانه طولانی مدت و نیروی مسلح سازمان یافته برای تشخیص مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی کفایت می‌کند. از این رو، شرایط مقرر در پروتکل دوم الحاقی که گروه مسلح برای اجرای عملیات نظامی پایدار و هماهنگ بر قلمرو سرزمینی کنترل داشته باشند را لازم نمی‌داند. همچنین در ماده فوق‌الذکر شدت مخاصمه نیز حائز اهمیت است و خشونت‌ها بایستی فراتر از اقدامات پراکنده و مجزا باشد. همچنین دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق، معیارهایی مانند شدت حملات و احتمال تشدید درگیری‌های مسلحانه، میزان توزیع اسلحه میان طرف‌های درگیر، میزان گسترش حملات در سراسر قلمرو یک دولت با افزایش نیروهای دولتی و مورد توجه قرار گرفتن درگیری از طرف شورای امنیت را برای تشخیص شدت درگیری مورد توجه قرار داده است.

– دسته‌های مختلف حقوق بین‌الملل بشر دوستانه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه را می‌توان حسب نوع نگارش به سه دسته کلی تقسیم کرد:

الف) حقوق لاهه: قدیمی‌ترین بخش حقوق بشردوستانه است که در قالب کنوانسیون‌های دوازده‌گانه در شهر لاهه تدوین شده‌اند و اساساً ناظر بر متعادل سازی برخورد نیروهای مسلح با همدیگر می‌باشد. نقاط ضعف این کنوانسیون‌ها آن است که تنها به مخاصمات بین‌المللی پرداخته است و هیچ چارچوبی برای جنگ‌های داخلی، مورد توافق و تصویب قرار نداده است، مقررات مربوط به روش‌های جنگیدن و استفاده از ابزارها و وسایل جنگی مبهم می‌باشد، تضمین برای اجرای این کنوانسیون‌ها وجود ندارد.

ب) حقوق ژنو: شامل مجموعه کنوانسیون‌هایی است که در شهر ژنو با هدف حمایت از قربانیان جنگ تدوین شده است. این حقوق مهم‌ترین بخش حقوق بشردوستانه بین‌المللی را شامل می‌شود و قواعدی را وضع کرده تا از غیرنظامیان حفاظت و حمایت کند. تا پیش از تدوین این حقوق، کمبود قواعدی که

بتواند از اشخاصی که به علت بیماری، جراحت، اسارت یا هر دلیل دیگری فاقد توان مبارزه هستند و در درگیری‌ها شرکت نمی‌کنند، وجود داشت.

پ) حقوق نیویورک: این حقوق حالت معاهده‌ای نداشته و در قالب قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد و سایر اسناد از جمله گزارش‌های دبیر کل سازمان ملل در حوزه حقوق بشردوستانه و تأکید بر رعایت ضرورت‌های بشردوستی در طول مخاصمه می‌باشد. در این حوزه مسائل عمدتاً به صورت موردی و مصداقی مورد توجه قرار داده‌اند (مهرآئین، ۱۳۹۶: ۱۲).

– اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشر دوستانه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه در پی آن است که بتواند در شرایط غیرعادی و غیرانسانی مخاصمات مسلحانه، از حقوق بنیادین انسان‌ها حمایت کند. برای تحقق این هدف اصول شش‌گانه حقوق بشردوستانه بین‌المللی وجود دارد که در کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن قریب به ششصد ماده مبنی بر این شش اصل اساسی تدوین شده‌اند.

این اصول عبارت‌اند از:

الف) اصل رفتار انسانی و عدم تبعیض: یعنی همه افراد مستقل از جنسیت، ملیت، نژاد یا عقاید سیاسی خودشان، شایسته و سزاوار رفتار انسانی می‌باشند.

ب) اصل ضرورت نظامی: ضرورت نظامی به معنای لزوم انجام اقداماتی است که برای نیل به هدف نظامی اساسی بوده و از جمله اقداماتی هستند که بر اساس حقوق و عرف جنگی، قانونی و مشروع تلقی می‌شوند. بنابراین هر فعالیت نظامی باید بر اساس دلایل نظامی توجیه شود. طبق این اصل حمله به غیرنظامیان ممنوع است زیرا با این کار هیچ مزیت نظامی حاصل نمی‌شود. مفهوم ضرورت نظامی مستلزم این معناست که میزان زور استفاده شده توسط متخاصمین برای تسلیم دشمن، شامل پرسنل و اموال دشمن نشود، بلکه باید تا حدی در نظر گرفته شود که برای نیل به هدف نظامی لازم بوده و با پیشرفت‌ها و دستاوردهای نظامی متناسب باشد.

پ) اصل محدودیت: بر اساس این اصل، به‌کارگیری شیوه‌ها و روش‌های جنگی و استفاده از سلاح‌هایی که تلفات بیش از حد لزوم، درد و رنج غیر ضروری را ایجاد نماید، ممنوع است. عرف بین‌الملل اقدامات

و تهدیدهای خشونت آمیزی را که هدف اولیه آن گسترش ترس در میان جمعیت غیرنظامی باشد، ممنوع اعلام کرده است و گلوله باران وسیع و بمباران منظم شهرها و کشتار جمعی از مصادیق این‌گونه اقدامات محسوب می‌شود.

ت) اصل تفکیک: طبق این اصل باید بین اهداف و اشخاص نظامی و غیر نظامی تفکیک و تمایز قائل شد. غیرنظامیان نباید هدف عملیات نظامی واقع شوند و قربانی جنگ باشند. نه تنها غیرنظامیان باید مورد حمایت قرار گیرند، بلکه کالاهای مورد نیاز برای ادامه حیات آنها نیز باید مورد حمایت واقع شود. ث) اصل تناسب: این اصل به این موضوع اشاره دارد که صدمات و اتفاقات ناشی از یک حمله، درمقایسه با مزیت مستقیم و قطعی که از آن حمله انتظار می‌رود نباید بیشتر باشد. در این اصل، مقایسه‌ای مابین حجم اقدامات نظامی ارتكابی و اهداف مورد نظر صورت می‌گیرد و در این قیاس منافع حاصل از اقدام نظامی باید بیشتر از هزینه‌های ناشی از آن باشد.

ج) اصل حسن نیت: مطابق این اصل در هرگونه مذاکره میان طرفین مخاصمه اصل حسن نیت باید رعایت شود. صرف نظر از جنبه‌ی آرمانی و ذهنی بسیار قوی این اصل، اصل فوق از دو جهت اهمیت فراوانی دارد اول آنکه اگر طرفین در مذاکرات پیش از مخاصمه حسن نیتی داشتند، هرگز کارشان به درگیری و جنگ نمی‌رسد و دوم آنکه پس از وقوع مخاصمه در مرحله‌ای که طرفین از ادامه‌ی جنگ خسته شده‌اند و در پی راه حل هستند، اصل حسن نیت می‌تواند راهگشا باشد (مهرآئین، ۱۳۹۶: ۱۳). این اصول شش‌گانه در تدوین مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و دو پروتکل الحاقی نقش اساسی داشته‌اند. اما امروزه می‌توان از اصل هفتم نیز سخن گفت که دولت‌ها با ظهور نسل سوم حقوق بشر، بنام حقوق همبستگی؛ نظریه «مسئولیت حمایت» را مطرح و از مداخله بشردوستانه به‌عنوان مبحث جدید سخن می‌گویند. در سال ۲۰۰۵، مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب سند پایانی نشست سران دولت‌ها، اجماع جهانی در مورد ایجاد دکترین مسئولیت حمایت را مورد تأیید قرار داد. پاراگراف ۱۳۸ و ۱۳۹ این سند بیانگر تعهدی برای مجمع عمومی در خصوص اصل مسئولیت حمایت بود، گرچه این تعهد محدود به کشتار جمعی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایت علیه بشریت گردید. شورای امنیت دو قطعنامه تصویب کرد که تأکیدی بر تعهد به اصل مسئولیت حمایت بود. قطعنامه ۱۶۷۴

شورای امنیت مورخ ۲۸ آوریل ۲۰۰۶ درباره حمایت از افراد غیرنظامی در درگیری‌های مسلحانه، پاراگراف ۱۳۸ و ۱۳۹ سند نهایی اجلاس سران دولت‌ها در ۲۰۰۵ را که در مورد مسؤولیت حمایت از غیرنظامیان در مقابل کشتار جمعی، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت بود را مورد تأکید مجدد قرار داد. همچنین قطعنامه ۱۷۰۶ مورخ ۳۱ اوت ۲۰۰۶ درباره وضعیت سودان و استقرار نمایندگی بین‌المللی حافظ صلح، مفاد سند ۲۰۰۵ و قطعنامه ۱۶۷۴ مجدداً مورد استناد قرار داد (نیکنام‌ابركوه، ۱۳۹۵: ۱۲).

– منابع حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه

منابع حقوق بین‌الملل بشردوستانه خارج از منابع حقوق بین‌الملل نبوده و در چهارچوب شمول ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری تعریف می‌شود. ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مقرر کرده است «دیوان بین‌المللی دادگستری که مأموریت دارد اختلافاتی را که به آن ارجاع می‌شود بر طبق حقوق بین‌الملل و بر اساس موازین زیر حل و فصل نماید: الف) عهدنامه‌های بین‌المللی، اعم از عمومی و خصوصی، که به موجب آن قواعدی معین شده است که طرفین اختلاف آن قواعد را به رسمیت شناخته‌اند؛ ب) عرف بین‌المللی، به‌عنوان رویه‌ای کلی به‌صورت قانون پذیرفته شده است؛ پ) اصول عمومی حقوقی که مقبول ملل متمدن است؛ ت) با رعایت حکم ماده ۵۹، تصمیمات قضایی و عقاید برجسته‌ترین مبلغین ملل مختلف به منزله وسایل فرعی برای تعیین قواعد حقوقی». بر همین اساس منابع حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز متأثر از همین منابع بوده و به منابع خاص مبدل شده است که در این مبحث آنها را بررسی می‌کنیم.

– عرف

با توجه به پیشینه طولانی پدیده جنگ میان قدرت‌ها و کشورها، همان‌گونه که در مقدمه عنوان گردید منابع عرفی حقوق مخاصمات یا همان حقوق جنگ به لحاظ وسعت، دامنه و تاریخ، مقدم بر سایر منابع بوده و علاوه بر آن جنبه تکمیلی خود را تا زمان حاضر نیز حفظ نموده است. به نحوی که در مواقع سکوت یا ابهام سایر منابع حقوق مخاصمات، قواعد و مقررات عرفی در این خصوص راهگشا خواهد بود. به این ترتیب عرف دارای جایگاه اساسی در حقوق مخاصمات می‌باشد. عهدنامه‌های لاهه صراحتاً مقررات مربوط به مخاصمات را به حقوق عرفی جنگ ارجاع می‌دهند. طبق شرط مارتنس، برای تکمیل قواعد

نوشته شده، قواعد عرفی، منبع سرشاری در حقوق جنگ محسوب می‌شوند و می‌توانند کمبودهای موجود در حقوق قراردادی را پر نمایند (دلخوش، ۱۳۸۷: ۹۸۵).

عرف در اصل مبنای حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده و همچنان به موازات معاهدات کاربرد دارد. در واقع باید گفت یکی از منابع ارزشمند و مهم حقوق بین‌الملل بشر دوستانه عرف است. عرف در حقوق بین‌الملل، به ویژه حقوق بشردوستانه از جایگاه والایی برخوردار است. هیچ یک از شاخه‌های حقوق بین‌الملل به اندازه شاخه حقوق بشردوستانه به عرف وابستگی ندارد؛ چرا که بسیاری از قواعد آن ریشه در عرف دارد. اکثریت حقوق بشردوستانه قراردادی، ماحصل تدوین قواعد عرفی است. در حال حاضر می‌توان گفت که حقوق بشردوستانه، عرفی‌ترین بخش حقوق بین‌الملل است و اصطلاحاً به حقوق عرفی شهرت یافته است. عرف در مقایسه با حقوق قراردادی این مزیت را دارا می‌باشد که بر همه کشورها لازم الاجرا است. اما اجرای حقوق قراردادی فقط بر دولت‌هایی که آن را تصویب نموده‌اند، الزامی است و دولت‌هایی که چنین معاهده‌ای را تصویب نکرده‌اند ملزم به رعایت آن نیستند (مهرآئین، ۱۳۹۶: ۱۸).

رای معروف دوم اکتبر ۱۹۹۵ دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق تأکید کرده که تفکیک بین گونه‌های مختلف مخاصمات مسلحانه ارزش و اعتبار ماهیتی ندارد و با توجه به اینکه هر نظام حقوقی به منظور انتفاع انسان‌ها ایجاد شده است رهیافت «حاکمیت محور» به تدریج جای خود را به رهیافتی مبتنی بر «حقوق بشر» داده است. به عبارت دیگر پیوندی وثیق بین حقوق بشردوستانه حاکم بر مخاصمات داخلی و حقوق بشر وجود دارد. زیرا در هر دو مورد هدف به غایت مشابه وجود دارد که همانا واداشتن دولت به رعایت شأن و کرامت انسانی افراد است. این رهیافت در دادگاه یوگسلاوی، مسئله‌ای بود که در زمان تدویم ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مورد لحاظ قرار نگرفته بود. در ماده ۳ به‌جای اینکه از مفاد اعلامیه‌های حقوق بشر (حقوق عرفی) الهام گرفته شود، برای حمایت از قربانیان مخاصمات داخلی به حقوق بشر دوستانه تکیه زده شد و آنها تنها به بخشی از آن مانند «منبع گروگان‌گیری» (به پیروی از ماده ۳۴ کنوانسیون چهارم ژنو در خصوص حمایت از غیر نظامیان در زمان جنگ یا تعهد به جمع‌آوری بیماران و زخمی‌ها و مراقبت پزشکی از آنها به تبعیت از ماده ۴۰ کنوانسیون

دوم ژنو) استناد گردید. با توجه به این نقیصه، کشورها در کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر تهران ۱۹۶۸ رسماً در قطعنامه ۲۳ با عنوان «رعایت حقوق بشر در حین مخاصمات مسلحانه»؛ حقوق بین‌المللی بشردوستانه را دنباله حقوق بشر نامیدند. و در این قطعنامه، رعایت اصول بشری (حقوق بشری) را در مخاصمات را بدون هرگونه تفاوت در نوع مخاصمه لازم‌الاجرا دانستند (مهیدیون، ۱۳۹۶: ۲۶).

همچنین مجمع عمومی، قطعنامه ۲۶۷۵ مورخ ۱۹۷۰ با عنوان «اصول بنیادین مربوط به حمایت از جمعیت غیر نظامی در زمان مخاصمات مسلحانه» را با اکثریت آراء تصویب کرد. از جمله اصول این قطعنامه عبارت است از اینکه «حقوق بنیادین بشر، آن‌گونه که در حقوق بین‌الملل مقرر و در اسناد بین‌الملل بیان شده است، در زمان مخاصمات مسلحانه همچنان قابل اجراست». این اصول بخشی از حقوق عرفی مخاصمات مسلحانه بوده و مجمع با تبعیت از همان دیدگاه حقوق بشری، تمایزی بین مخاصمات بین‌المللی و غیر بین‌المللی قائل نشده است.

تأثیر دیدگاه «اندیشه حمایت از حقوق بشر در مخاصمات غیر بین‌المللی» را می‌توان در مقدمه پروتکل دوم الحاقی نیز دید. شرکت کنندگان در کنفرانس دیپلماتیک ۱۹۷۴-۱۹۷۷ تحت تأثیر این اندیشه، در مقدمه پروتکل دوم الحاقی می‌نویسد «با یادآوری اینکه اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، انسان را مشمول حمایتی اساسی قرار می‌دهد». همچنین ماده ۴ پروتکل مزبور با عنوان «تضمین‌های اساسی» که مکمل ماده ۳ مشترک ژنو است و نیز ماده ۱۶ (تضمین‌های قضایی در رسیدگی به جرایم مربوط به مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی) میثاق حقوق مدنی و سیاسی مبتنی است.

باید گفت در همه جنگ‌ها حداقل قواعد عرفی رعایت شده است. در جنگ داخلی اسپانیا، (۳۹-۱۹۳۶) رویه دولت‌ها تمایلی را آشکار ساخت که در حمایت از غیرنظامیان، تفکیک بین مخاصمات بین‌المللی و مخاصمات داخلی را مورد توجه قرار دهد و برخی اصول کلی حقوق بشردوستانه را در این جنگ اعمال کند. در این جنگ، هم دولت جمهوری اسپانیا و هم دولت‌های ثالث از شناسایی شورشیان به‌عنوان محارب خودداری کردند. ولی بر این امر اصرار داشتند که برخی قواعد خاص مربوط به حقوق مخاصمات بین‌المللی قابل اعمال می‌باشد. از بین قواعدی که قابل اعمال به نظر می‌رسید، ممنوعیت

بمباران عمدی غیرنظامیان، ممنوعیت حمله به اهداف غیر نظامی و قاعده مربوط به احتیاط در هنگام حمله به اهداف نظامی را می‌توان ذکر کرد. برای مثال، در ۲۳ مارس ۱۹۳۸، چمبرلین، نخست وزیر انگلستان، اعتراض بریتانیا را در خصوص بمباران بارسلونا به شرح ذیل توضیح داد: «... یک قاعده قطعی حقوق بین‌الملل این است که بمباران مستقیم و عمدی غیررزمندگان در تمامی شرایط غیر مشروع است و اعتراض دولت اعلیحضرت مبتنی بر اطلاعاتی است که به این نتیجه‌گیری منجر شده که بمباران بارسلون، که ظاهراً بدون تعیین هدف خاص و بدون اینکه اهداف نظامی خاص مدنظر باشد صورت گرفته، چنین خصوصیتی دارد». (فرجی، ۱۳۷۹: ۲۸).

البته در خصوص مبانی ملتزم سازی عرف باید گفت که عرف مدرن متزلزل است، چراکه به نظر می‌رسد قواعد عرفی در این زمینه صرفاً دربردارنده مجموعه‌ای از اهداف آرمانی‌اند تا الزامات واقع‌گرایانه در مورد اعمال یا رفتار دولت‌ها. برای مثال، در چهارچوب اعلامیه تونس (مصوب ۴۲ دولت آفریقایی در سال ۱۹۹۲) و اعلامیه بانکوک (پذیرفته‌شده به وسیله ۳۴ دولت آسیایی در سال ۱۹۹۳)، بیشتر دول غیر غربی اعلام داشته‌اند که عرف‌های مدرن حقوق بشری، واجد تعهدات الزام‌آور نبوده و تنها انعکاسی از یک سلسله توصیه‌های آرمانی هستند (Roberts, 2011: 770). ضمن اینکه برخی نیز از عرف مدون به عنوان «حقوق نرم» یاد کرده‌اند که حقوق به معنی واقعی تلقی نمی‌شود (Weil, 1983: 415). همچنین امکان به وجود آمدن موقعیت‌هایی به منظور سواستفاده‌های سیاسی و حقوقی و فقدان مشروعیت به لحاظ نادیده گرفتن رضایت دولت‌ها (David, 1996: 216) نیز از دیگر انتقاداتی هستند که معمولاً در این عرصه مطرح می‌شوند. همچنین به زعم پروفیسور داماتو رویکرد مدرن بنیان نظری عرف را از طریق وارونه کردن برتری سنتی رویه بر اعتقاد حقوقی از بین می‌برد (D amato, 1987: 100).

– حقوق معاهده‌ای

عهدنامه‌های بین‌المللی از جمله منابع مهم حقوق مخاصمات هستند و بخش اعظم این مقررات به صورت حقوق قراردادی و مدون می‌باشند. از جمله این معاهدات می‌توان به:

الف) اعلامیه پاریس مورخ ۱۶ آوریل ۱۸۵۶ در خصوص قواعد جنگ دریایی؛

ب) عهدنامه ژنو مورخ ۲۲ اوت ۱۸۶۴ مربوط به حمایت از مجروحان، بیماران جنگی و کارکنان بهداری؛

پ) اعلامیه سن پترزبورگ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۸۶۸ در خصوص ممنوعیت استفاده از گلوله‌های انفجاری کالیبر کوچک؛

ت) اعلامیه نهایی کنفرانس بروکسل مورخ ۱۸۷۴ در خصوص مقررات و رسوم جنگ؛

ث) عهدنامه‌های لاهه مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ مشتمل بر دو قرارداد و سه اعلامیه در زمینه حقوق جنگ؛

ج) عهدنامه ۱۹۰۴ لاهه در مورد مصونیت کشتی‌های بیمارستانی؛

چ) عهدنامه ۶ ژوئیه ۱۹۰۶ در خصوص حمایت از بیماران و مجروحان جنگی؛

ح) عهدنامه‌های لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷؛

خ) عهدنامه واشنگتن مورخ ۶ فوریه ۱۹۲۲ در زمینه منع استعمال گازهای خفکان‌آور، سمی یا مشابه آنها و نیز مواد میکروبی؛

د) عهدنامه ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ در مورد رفتار با مجروحان یا بیماران و سرنوشت اسیران جنگی؛

ذ) پروتکل لندن مورخ ۲۲ آوریل ۱۹۳۰ مربوط به قواعد جنگ دریایی؛

ر) قرارداد مورخ ۱۹۳۵ در زمینه حفاظت از بناهای تاریخی، مراکز علمی و هنری در زمان جنگ؛

ز) پروتکل لندن مورخ ۶ نوامبر ۱۹۳۶ در زمینه ممنوعیت حمله به کشتی‌های بازرگانی توسط زیردریایی‌ها؛

ژ) کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ (بیش از ۱۹۰ دولت عضو این کنوانسیون‌ها می‌باشند. که علاوه بر این اتفاق، مجموعه قواعد کنوانسیون‌های چهارگانه، جزء حقوق بین‌الملل عرفی نیز قلمداد می‌شوند)؛

س) قرارداد لاهه ۱۴ می ۱۹۵۴ در زمینه میراث فرهنگی در زمان جنگ؛

ش) پروتکل الحاقی اول و دوم کنوانسیون‌های ژنو ۸ ژوئن ۱۹۷۷؛

ص) قرارداد ۱۹۷۷ در زمینه منع استفاده خصمانه از تکنیک‌های تغییر محیط زیست طبیعی؛

ض) عهدنامه مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۸۱ در مورد منع یا محدودیت استفاده از برخی سلاح‌های کلاسیک با تخریب بالا؛

در خصوص مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی نیز از آنجا که دولت‌ها رغبت زیادی برای محدود کردن خود در مخاصمات مسلحانه از طریق معاهدات نشان نمی‌دهند هرچند که اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه بصورت عرفی برای همه دولت‌ها لازم‌الاجرا می‌باشد. از این رو مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی از فقد مقررات معاهده‌ای برخوردار است. حقوق عهدنامه‌ای حاکم بر مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی محدود است به ماده ۳ مشترک بین کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی دوم به این کنوانسیون‌ها (۸ ژون ۱۹۷۷) در خصوص حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی (مهدیون، ۱۳۹۶: ۳۰).

مقرات ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ شامل حال غیر نظامیان و کسانی است که سلاح را بر زمین گذارده‌اند. لذا این ماده هیچ حمایتی از نظامیان و رزمندگان را در بر نمی‌گیرد. در عین حال تصویب ماده ۳ مشترک را باید تحولی بنیادی در حمایت از انسان به هنگام مخاصمات غیر بین‌المللی دانست. ماده ۳ مشترک هرچند یک متن قراردادی است ولی به لحاظ محتوا دربردارنده قواعدی است که امروزه بخشی از حقوق بشردوستانه عرفی را تشکیل می‌دهد. رویه قضایی بین‌المللی را در اثبات این ادعا سهم موثری دارد. رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه (۲۷ ژوئن ۱۹۸۶) تأثیر زیادی در تأیید عرفی بودن این ماده دارد. به طوری که بنابر یک نظر، تعلق ماده ۳ مشترک به حقوق بشردوستانه عرفی به طور کامل پس از رای دیوان در قضیه نیکاراگوئه تثبیت شد. این در حالی است که بر اساس برخی نظریه‌های نویسندگان و علمای حقوق بین‌الملل نیز مقررات ماده ۳ مشترک ارزش همسان با قواعد امری و عرفی دارند (دلخوش، ۱۳۸۷: ۹۹۲).

- شرط مارتنس

شرط مارتنس اولین بار توسط پروفسور فردریش ون مارتنس اهل لیونیای روسیه و نماینده تزار نیکولاس دوم در کنفرانس‌های لاهه ارائه و در مقدمه کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ درج شد. «تازمانی که مجموعه‌ای کامل‌تر از قوانین جنگی تدوین و تصویب شود، طرفین معظم موافقت می‌نمایند در مواردی که تحت شمول مقررات مصوب قرار نمی‌گیرد، غیرنظامیان و نظامیان تحت حمایت و اقتدار اصول حقوق بین‌الملل منبعت از رویه تثبیت شده میان ملل متمدن، اصول انسانیت و تمنیات وجدان

جمعی باقی خواهند ماند». به زعم پروفیسور مارتنس محتوای این شرط از سابقه‌ی تاریخی برخوردار است و در آراء و اندیشه‌های حقوق طبیعی ریشه دارد (زر نشان، ۱۳۹۷: ۳۲۲).

این شرط ابتدا به منظور حل اختلاف میان اعضای کنفرانس‌های صلح لاهه در خصوص جایگاه جنبش‌های مقاومت در سرزمین‌های اشغالی مطرح شد. دولت‌هایی که گمان می‌کردند ساکنان سرزمین‌های اشغالی که علیه نیروهای اشغالگر سلاح به دست گرفته‌اند، باید رزمنده قانونی تلقی شوند، نمی‌توانستند برای پیشنهاد خود اکثریت آرا را بدست آورند. به همین دلیل مقررات مربوط به وضعیت رزمندگان در مواد یک و ۲ مقررات لاهه، مبارزان نیروهای مقاومت را در فهرست آنهایی که از امتیاز رزمنده بودن برخوردار بودند قرار نداد.

همچنین به زعم برخی از اصحاب حقوق بین‌الملل، شرط مارتنس می‌تواند یادآور این نکته باشد که حذف کلی یک موضوع در یک معاهده به این معنی نیست که حقوق بین‌الملل باید لزوماً درباره آن ساکت باشد. و این شرط نوعی تذکر است دال بر اینکه معاهده مورد نظر مانع از حمایت حقوق بین‌الملل عرفی نخواهد شد. در فرآیند مذاکرات مربوط به تدوین و تصویب سندی خاص به ویژه در حوزه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه معمولاً مشاجرات و جدل‌های گسترده‌ای به وجود می‌آید که در نهایت ممکن است به حذف موضوعی خاص در متن نهایی منجر شود که در چنین شرایطی این اعلامیه می‌تواند پوشش عرفی مناسبی را در مورد آن موضوع ایجاد کند (Abi-saab, 1984: 274).

– کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹

در سال ۱۹۴۹ به منظور ساماندهی حقوق بین‌الملل بشردوستانه با تجمیع تمامی معاهدات مربوط به مخاصمات مسلحانه، ۴ کنوانسیون با عناوین «قرارداد ژنو راجع به بهبود سرنوشت زخمیداران و بیماران در نیروهای مسلح هنگام اردو کشی در ۶۴ ماده (با یک پیوست) که مقررات این کنوانسیون برابر ماده ۵۹ این قرارداد در روابط بین دول معظمه متعاهد جانشین قراردادهای مورخه ۲۲ اوت ۱۸۶۴ و ۶ ژانویه ۱۹۰۶ و ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ خواهد بود» (کنوانسیون اول)؛ «قرارداد ژنو راجع به بهبود سرنوشت زخمیداران و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا در ۶۳ ماده» (کنوانسیون دوم)؛ «قرارداد ژنو راجع به معامله

با اسیران جنگی در ۱۴۳ ماده (۵ پیوست) «کنوانسیون سوم» و در نهایت «قرارداد ژنو راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ در ۱۵۹ ماده» (کنوانسیون چهارم) منعقد گردید.

کنوانسیون چهارم ژنو ناظر بر حمایت از غیرنظامیان، شامل آنهایی که در مناطق تحت اشغال هستند می‌باشد. این کنوانسیون متشکل از ۱۵۹ ماده بوده و شامل بخش کوتاهی است که به طور گسترده به حمایت از افراد در برابر پیامدهای خاص ناشی از جنگ می‌پردازد؛ هرچند، نحوه هدایت مختصات در این بخش مورد بحث قرار نمی‌گیرد. بیشتر این کنوانسیون به وضعیت و رفتار با اشخاص مورد حمایت، تمایز میان وضعیت بیگانگان در سرزمین‌های تحت کنترل یکی از طرفین درگیری و وضعیت غیرنظامیان در سرزمین اشغال شده می‌پردازد. این کنوانسیون وظایف قدرت اشغالگر در خصوص غیرنظامیان را تصریح کرده و شامل جزئیاتی راجع به امداد بشردوستانه برای اشخاصی که در سرزمین‌های تحت اشغال هستند می‌باشد. به علاوه این کنوانسیون حاوی یک رژیم خاص درباره رفتار با زندانیان غیرنظامی است. ماده ۳ مشترک این کنوانسیون‌ها یکی از مهم‌ترین تحولات حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌باشد که مقرر می‌دارد «چنانچه نزاع مسلحانه جنبه بین‌المللی نداشته باشد و در خاک یکی از دول معظمه متعاقد روی دهد هر یک از دول داخل در جنگ مکلفند که لاقلاً مقررات زیر را اجرا نمایند:

۱- با کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند به انضمام افراد نیروهای مسلحی که اسلحه به زمین گذاشته باشند یا کسانی که به علت بیماری یا زخم یا بازداشت و یا به هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند باید در همه احوال بدون هیچ گونه تبعیض نامساعد ناشیه از نژاد - رنگ - مذهب - عقیده - جنس - اصل و نسب یا ثروت یا هر علت مشابه آن با اصول انسانیت رفتار شود.

اعمال ذیل در مورد اشخاص بالا در هر زمان و در هر مکان ممنوع است و خواهد بود:

الف - لطمه به حیات و تمامیت بدنی منجمله قتل به تمام اشکال آن - زخم زدن - رفتار بیرحمانه - شکنجه و آزار.

ب - اخذ گروگان.

ج - لطمه به حیثیت اشخاص منجمله تحقیر و تخفیف.

د - محکومیت و اعدام بدون حکم قبلی دادگاهی که صحیحاً تشکیل شده و جامع تضمینات قضائی که ملل متمدن ضروری می‌دانند باشد.

۲- زخم‌داران و بیماران جمع‌آوری و تحت معالجه قرار خواهند گرفت.

یک دستگاه نوپرووری بی‌طرف مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌تواند خدمات خود را به دولت‌های داخل در جنگ عرضه دارد.

دولت‌های داخل در جنگ نیز در سهم خود سعی خواهند کرد تمام یا قسمتی از سایر مقررات این قرارداد را به موجب موافقتنامه‌های اختصاصی به موقع اجرا گذارند.

اجرای مقررات فوق‌الثری در وضع حقوقی متخاصمین نخواهد داشت».

از تحولات مهم در حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌توان به درگیری مسلحانه بین‌المللی و درگیری مسلحانه غیربین‌المللی اشاره کرد. در حین درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، هر چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو به همراه پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (پروتکل الحاقی اول ۸ ژوئن ۱۹۷۷) اعمال می‌شوند.

همان‌گونه که گفته شد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو عبارتند از:

-کنوانسیون اول، حمایت از زخمیان و بیماران نیروهای مسلح در میدان نبرد؛

-کنوانسیون دوم، حمایت از زخمیان، بیماران و کشتی شکستگان عضو نیروهای مسلح در دریا؛

-کنوانسیون سوم، حمایت از اسرای جنگی؛ و

-کنوانسیون چهارم، حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ.

می‌توان گفت که یک درگیری مسلحانه بین‌المللی زمانی حادث شده است که فارغ از دلایل یا شدت مقابله، یک یا چند دولت در رویارویی علیه دولت دیگری به نیروی مسلح متوسل شده‌اند.

در این صورت نیازی به اعلان رسمی جنگ یا اعتراف به چنین شرایطی وجود ندارد؛ برای مثال، ممکن است حتی اگر یکی از طرفین متخاصم دولت طرف رو به رو را به رسمیت نشناسد، یک درگیری مسلحانه بین‌المللی وجود داشته باشد، به علاوه، پروتکل الحاقی اول تعریف درگیری مسلحانه بین‌المللی را گسترش می‌دهد تا درگیری‌های مسلحانه‌ای را که طی آنها مردم در مبارزه برای حق خود در تعیین

سرنوشتشان علیه سلطه استعماری، اشغال بیگانه یا رژیم های نژادپرست مبارزه می‌کنند نیز شامل شود. یک درگیری مسلحانه بین‌المللی هنگامی اتفاق می‌افتد که هرگونه استفاده از زور میان دو یا چند دولت وجود داشته باشد، در حالی که خاک یک کشور هنگامی «اشغال شده» تلقی می‌شود که دولت دیگری کنترل موثر بر تمامی یا بخشی از آن را داشته باشد. از طرف دیگر، در حین یک درگیری مسلحانه غیربین‌المللی، بند ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در تمامی شرایط به کار می‌رود. پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (پروتکل الحاقی ۲) که بند ۳ مشترک را بیشتر توسعه داده و تصریح کرده و کامل می‌کند، هنگامی به کار می‌رود که یک یا چند گروه مسلح غیردولتی که با نیروهای مسلح یک کشور مقابله می‌کنند، کنترل بخشی از خاک دولت مذکور را به دست گیرند که امکان هدایت عملیات نظامی را در اختیار آنها قرار می‌دهد. در هر دو شرایط، مفاد مربوطه حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی کاربرد دارد. برای جمع بندی، حقوق بین‌المللی بشردوستانه تنها در شرایط درگیری مسلحانه میان دولت‌ها یا شرایطی که به سطح درگیری مسلحانه غیربین‌المللی (حداقل سطح شدت درگیری و میان نیروهای مسلح سازماندهی شده) رسیده باشند، کاربرد دارد (<https://www.magiran.com/article/3944954>).

یکی از اهداف اصلی حقوق بین‌المللی بشردوستانه حمایت از غیرنظامیان و اشیای غیرنظامی است. اشخاص، صرف نظر از جنسیت، قومیت، ملیت، دین، عقاید سیاسی یا هرگونه معیار این چنین، مورد حمایت هستند. طبق کنوانسیون‌های اول و دوم ژنو، مبارزان به محض آنکه زخمی، بیمار یا کشتی شکسته شوند، وضعیت «اشخاص مورد حمایت» را به دست می‌آورند؛ به شرط آنکه در هیچ عمل خصمانه ای شرکت نکنند.

پروتکل الحاقی اول این حمایت را به هر شخص زخمی، بیمار، یا کشتی شکسته ای، خواه نظامی یا غیرنظامی، بسط می‌دهد.

کنوانسیون اول ژنو: سربازان زخمی و بیمار نیروهای مسلح در میدان؛

کنوانسیون دوم ژنو: سربازان زخمی، بیمار و کشتی شکسته در دریا حین نبرد؛

حمایت طرفین متخاصم باید از انجام هرگونه اقدام خصمانه علیه اشخاص مورد حمایت اجتناب کنند. اشخاص مورد حمایت نباید هدف حملات قرار گیرند. رفتار و مراقبت با اشخاص مورد حمایت باید به شکل انسانی رفتار شود. هرگونه خشونت نسبت به شخص و جان او ممنوع است.

رفتار برابر با اشخاص مورد حمایت باید بدون تبعیض رفتار شود. اولویت دسترسی به مراقبت‌های درمانی تنها باید بر اساس معیارهای پزشکی ارائه گردد. تخلیه طرفین متخاصم باید اجساد را جست و جو کرده و جمع‌آوری کنند و از آنها در برابر غارت و رفتار نامناسب حمایت کرده و تضمین می‌کنند که مراقبت مناسب از ایشان به عمل می‌آید.

کشته‌شدگان و مفقودین طرفین متخاصم باید اجساد را جست و جو کرده و جمع‌آوری کنند و مانع از غارت آنها شوند. هر یک از طرفین درگیری باید به جست و جوی اشخاصی که توسط طرف مخالف مفقود اعلام شده‌اند، بپردازد. اصل متضمن این قاعده آن است که هر خانواده حق دارد تا از سرنوشت عزیزان خود آگاه باشد.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه حاوی مفاد دقیق و کاملی درباره حمایت از واحدها، وسائط نقلیه و تجهیزات درمانی است: واحدهای درمانی نظامی یا غیرنظامی شامل تمامی ساختمان‌ها و دیگر تاسیسات ثابت (بیمارستان‌ها و...) و همین‌طور واحدهای سیار (چادرها، تاسیسات روباز و...) می‌شود. وسائط نقلیه درمانی این مورد اشاره دارد به هرگونه نقل و انتقال (زمینی، دریایی یا هوایی) زخمیان، بیماران یا کشتی شکستگان، پرسنل مذهبی و درمانی، و تجهیزات درمانی مورد حمایت کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل اول الحاقی.

حمایت واحدها و وسائط نقلیه درمانی باید توسط طرفین متخاصم در تمامی زمان‌ها حفاظت شده و محترم شمرده شوند و مورد حمله قرار نگیرند. تحت هیچ شرایطی نباید از آنها برای حفاظت از اهداف نظامی در برابر حملات استفاده شود. از دست دادن حمایت ساختارهای درمانی تنها زمانی چتر حمایتی خود را از دست خواهند داد که از آنها برای انجام اقداماتی استفاده شود که به دشمن گزند رساند (به عنوان نمونه برای پناه دادن به سربازانی که زخمی نیستند یا راه اندازی پست‌های دیده‌بانی). هرچند در چنین شرایطی وضعیت حمایتی تنها زمانی از بین می‌رود که با وجود اخطار لازم و در نظرگرفتن

بازه زمانی معقولی برای آنها، این اختراها مورد بی توجهی قرار گرفته باشند
(<https://www.magiran.com/article/3944954>).

– پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۷۷

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، به طور اختصاصی در ژوئن ۱۹۷۷ با دو پروتکل الحاقی تکمیل گردیده که پروتکل اول در راستای سیر تحولات حقوق نظامیان و غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی می‌باشد. به طوری که با عنوان «حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی» شناخته می‌شود. در مقدمه این پروتکل آمده است: «... با اعتقاد به اینکه در هر صورت ضرورت دارد که مقررات مربوط به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه مورد تاکید قرار گرفته و توسعه یابد. و اقدامات تکمیلی جهت تضمین اجرا این مقررات به عمل آید، با ابراز اعتقاد خویش مبنی بر اینکه هیچ یک از مواد پروتکل حاضر یا کنوانسیون‌های ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ میلادی، را نمی‌توان به گونه‌ای تفسیر کرد که اعمال تجاوزکارانه یا هر شکل دیگر توسل به زور بر خلاف منشور ملل متحد را مشروع و مجاز بداند. پروتکل اول مشتمل بر ۱۰۲ ماده می‌باشد.

– پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۷۷

پروتکل دوم در راستای سیر تحولات حقوق نظامیان و غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی می‌باشد. به طوری که با عنوان «حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی» شناخته می‌شود. در مقدمه این پروتکل آمده است: «با یادآوری این که اصول بشردوستانه محترم شمرده شده در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹ میلادی مبنای احترام به شخص انسان در مخاصمات مسلحانه بدون یک ویژگی بین‌المللی را تشکیل می‌دهد و نیز با یادآوری این که اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر حمایتی اساسی از فرد انسان ارائه می‌دهند. و نیز با تأکید بر نیاز به تضمین یک حمایت برای قربانیان مخاصمات مسلحانه مذکور؛ و با یادآوری این که در مواردی که قواعد حقوقی لازم‌الاجرا نیست فرد تحت حمایت اصول انسانیت و حکم وجدان عمومی قرار می‌گیرد».

– نتیجه‌گیری

مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، شاید از نظر تاریخ نگاری حقوقی، به جنگ‌های بعد از معاهده وستیفالی و استقلال دولت‌ها اطلاق شود، اما اساساً مخاصمه بین‌المللی، به غیر از ویرانی و کشته شدن انسان‌های بی‌گناه ثمره و دست‌آوردی برای توسعه بشریت نداشته است. در این پژوهش با مطالعات حقوقی و تاریخی در سیر تحولات حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، یکی از نکات خیلی مهم، درک مفهومی عنوان پژوهش بوده که در این پژوهش به دنبال چه چیزی هستیم که با راهنمایی استاد ارجمند جناب آقای دکتر ظاهری این مسئله به خوبی کنترل و مانع خروج موضوعی گردید. حقوق نظامیان و غیر نظامیان، موضوعی نبود که در این پژوهش به دنبال آن باشیم چرا که در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و قبل از آن در معاهدات لاهه به این مسائل پرداخته شده است. بلکه در این پژوهش در جستجوی سیر تحولات در حقوق نظامیان و غیرنظامیان بودیم که عوامل آن را نیز شناسایی کنیم.

در نتیجه بعد از جمع‌بندی نهایی به این نتیجه رسیدیم که سیر تحولات حقوق نظامیان و غیرنظامیان، هرچند در نهایت به نتایج مطلوبی رسیده است اما هزینه‌ای که بشریت در قبال آن پرداخت کرده قابل تقویم نبوده و بسیار هولناک می‌باشد.

– منابع و ماخذ

– کتاب‌ها

- ترور نویت، دوپویی؛ (۱۳۸۱) تاریخ جنگ‌ها، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد معاونت پژوهش.
- حسین‌نژاد، کتایون. (۱۳۸۳) برگزیده‌ای از کتاب «خدمت و حمایت» حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در عملکرد حرفه‌ای پلیس، دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، نشر سرسم: تهران.
- داعی، علی. (۱۳۸۷) حقوق اسیران جنگی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، چاپ اول، تهران: نشر پیام آزادگان.
- راجرز، آنتونی و مالرب، پل. (۱۳۸۲) قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، چاپ اول، تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- فلک، دیترو. (۱۳۸۷) حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، ترجمه قاسم زمانی و همکاران، چاپ اول، تهران: نشر مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- وری، پیتر. (۱۳۸۴) فرهنگ حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه، ترجمه سیامک کرم زاده و کتایون حسین‌نژاد، چاپ اول، تهران: نشر سرسم.
- هنکرتز، ژان ماری و لوئیس دوسوالد بک. (۱۳۸۷) حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، جلد اول، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه، تهران: انتشارات مجد.

– پژوهش‌ها

- اقبالی، کیوان. (۱۳۸۸) تحولات اخیر در اصل تفکیک بین رزمندگان و غیرنظامیان در حقوق مخاصمات مسلحانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی: دانشگاه علامه طباطبایی.
- آهنگراصیل، محمد. (۱۳۹۴) حمایت از کودکان در فرآیندهای پس از مخاصمات مسلحانه در حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- اربابیان، شبنم. (۱۳۹۰) موازین حمایتی از کودکان قربانی جنگ از منظر حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، موسسه آموزش عالی شهید اشرفی اصفهانی.
- طاهری‌جلیلی، حامد. (۱۳۹۰) حمایت از غیرنظامیان در جنگ‌ها و حفظ صلح (مورد مطالعاتی جنگ آمریکا و عراق ۲۰۰۳)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی: واحد تهران مرکز.
- فقیرمیرنظامی، درین سادات. (۱۳۹۱) مفهوم مشارکت غیر مستقیم نظامیان در مخاصمات مسلحانه با تأکید بر راهنمای تفسیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (۲۰۰۹)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی: دانشگاه علامه طباطبایی.

- مهرآئین، اکرم. (۱۳۹۶) مسوولیت طرفین مخاصمه نسبت به حملات عمدی به مواضع تحت حمایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام نور: واحد تهران جنوب.
- مهدیون، جواد. (۱۳۹۶) حقوق رزمندگان، اسراء و غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه داخلی با تأکید بر موازین حقوق اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام نور: واحد تهران جنوب.

– مقاله‌ها

- انصاریان، مجتبی و باقری ایبانه، علیرضا. (۱۳۹۳) معمای مشروعیت استفاده از سلاح‌های حاوی اورانیوم ضعیف شده در حقوق بین‌الملل، فصلنامه علمی پژوهشی «امنیت پژوهش» سال سیزدهم، شماره ۴۵ (۱۴۷ – ۱۲۵).
- باقرزاده، رضوان و رنجبران، امیر حسین. (۱۳۹۱) بنیان اجرای حقوق بشردوستانه تعهد دولت‌ها به رعایت و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال شانزدهم، شماره ۴۶ (۱۵۴ – ۱۲۵).
- بنی‌اسدی، عباسعلی. (۱۳۹۶) حقوق نیروهای امدادی در مخاصمات مسلحانه با نگرشی در فقه امامیه، ایران و حقوق بین‌الملل، دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق عمومی عدالت، سال اول، شماره دوم (۶۶ – ۴۷).
- حاجی مینه، رحمت (۱۳۹۲) مداخله بشردوستانه از دیدگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره هشتم (۲۲۹ – ۲۰۵).
- حقیقت‌پور، حسین. (۱۳۹۹) اصل تفکیک انسانی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی از نگاه حقوق بشردوستانه اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۶، شماره ۴.
- دلخوش، علیرضا. (۱۳۸۷) حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی: تفاوت‌ها و اشتراکات، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۲، شماره ۴ (۱۰۰۴ – ۹۸۱).
- زر نشان، شهرام. (۱۳۹۷) نسبت میان شرط مارتنس و حقوق بشر در نظم حقوقی بین‌المللی جدید، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۸، شماره ۲ (۳۳۸ – ۳۱۹).
- ضیائی، سید یاسر. (۱۳۸۹) تأملی بر وضعیت شورشیان از منظر حقوق توسل به زور، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال ۲۷، شماره ۴۲ (۱۹۰ – ۱۶۷).
- ظاهری، علیرضا. (۱۳۷۷) تمایز نظامیان و غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و تطبیق با مقررات ارتش جمهوری اسلامی ایران، ماهنامه دادرسی، سال دوم، شماره یازدهم (۶۲ – ۵۸).
- فرجی، محمد. (۱۳۷۹) نقش محاکم کیفری بین‌المللی در توسعه حقوق مخاصمات مسلحانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی: دانشگاه تهران.

- فقیه حبیبی، علی (۱۳۹۵) جایگاه حقوق بشر دوستانه در اسلام و اسناد بین‌المللی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره دوم (۱۰۳ - ۸۱).
- لسانی، حسام‌الدین و کاظمی، احمد. (۱۳۹۵) حمایت از سربازان و نیروهای خودی در مخاصمات مسلحانه و اشغال نظامی، فصلنامه پژوهشی تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال سوم، شماره چهارم (۱۸۴ - ۱۵۳).
- نیکنام‌ابروه، بهناز. (۱۳۹۵) دکترین مسئولیت حمایت: ارتقاء حقوق بشر یا تئوری جنگ عادلانه، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۰، شماره ۳ (۳۰-۷).
- هاشمی، سید حسین (۱۳۹۴) حقوق و تکالیف نهضت‌های رهایی بخش در مخاصمات مسلحانه از نگاه فقه و حقوق جزای بین‌الملل، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوازدهم، شماره ۴۵ (۱۵۸ - ۱۲۵).

– منابع انگلیسی

- Anderson, Chandler P. (1920), "The International Red Cross Organization", The American Journal of International Law, 14 (1): 210–214.
- Abi-saab, G.(1984). The Specificities of Humanitarian Law, Oxford University Press.
- Balint. J. (1998) An Empirical Study of Conflict, Conflict Victimization and Legal Redress, 1945- 1996, Nouvelle Etudes Penales, pp:101-124.
- Baxter, Richard (1977), "Human Rights in War", Bulletin of the American Academy of Arts and Sciences, 31 (2): 5.
- Cullen, A. (2005) " Key Developments Affecting the Scope of Internal Armed Conflict in Humanitarian Law, Military Law Review.
- D'Amato, A, A.(1987)" Trashing Customary International Law", 81 American Journal of International Law.
- Elizabeth Roberts.(2011) "Traditional and Modern Approaches to Customary International Law: A Reconciliation" American Journal of International Law.
- Fidler David,(1996) "Challenging the Classical Concept of Custom" German Yearbook of International Law.
- McDonald Avrill. (2004) The Challenges to International Humanitarian Law and The Principles of Distinction And Protection From The Increased Participation of Civilians in Hostilities, a Working Paper for the Round Table of "Intitative on Interplay Between International Humanitarian Law and International Human Rights Law, Tehran University.
- MANCINI, MARINA. (2010) "New Conflicts And The Protection of The Civilian Population", International Institute of Humanitarian law.

- Mahnad, ramin. (2011) Targeting versus deprivation of liberty under the international law of armed conflict, insights of American society of international law, Volume 15.
- Weil.(1983) “Towards Relative Normativity in International law?” American Journal of International Law.